

تاریخ و تاریخ نویسی آموزشی

بررسی مشکلات آموزش تاریخ

گزارش: آزاده شاکری

میگره

کتاب تاریخ باید تغییر کند. برنامه‌ی درس تاریخ با نقص‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو است. تاریخ به شرح و توصیف زندگی صاحبان قدرت محدود شده است. آیا می‌خواهیم مورخ تربیت کنیم؟ ارزشیابی تاریخ مشکل دارد. این‌ها پاره‌ای از چالش‌هایی پیش روی آموزش تاریخ، و حرف‌هایی است که در نشست ۲ ساعته‌ای مطرح شد که در آن عباس پرتوی مقدم، کارشناس مسئول گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، حشمت‌الله سلیمی، کارشناس گروه تاریخ دفتر مذکور، و فاطمه آهنگری معلم و پژوهشگر این رشته و فریده حشمتی، سرگروه تاریخ سازمان آموزش و پرورش شهر تهران حضور داشتند. آن‌چه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.

که انجام شده خوب بوده یا بد؟ گاه نیز از متن کتاب این‌طور برداشت می‌شود که رضاخان اصلاحاتی انجام نداده است و فقط در صورتی که معلم تبحر داشته باشد می‌تواند مطلب را به بهترین نحو بیان و اهداف کتاب را اجرا کند.

یکی دیگر از ایرادات کتاب، حجم خیلی زیاد آن است. با توجه به ساعت درسی بچه‌ها حجم مطالبی که قرار است به آن‌ها ارائه شود و از آن امتحان گرفته شود خیلی زیاد است.

گاهی ممکن است مطالب علمی زیادی را به دانش‌آموز بدهیم اما از آن امتحان نمی‌گیریم. من به تجربه دریافته‌ام که مطالب غیردرسی که به دانش‌آموزان می‌گویم، در ذهن آن‌ها بهتر باقی می‌ماند تا مطالب امتحانی که با اجبار می‌خوانند. به خاطر همین اجبار و فشار روانی، دانش‌آموز توان پاسخ‌گویی به پرسش‌ها را ندارد و به دلیل فشارهای روانی ناشی از حجم زیاد کتاب حافظه‌ی دانش‌آموز یاری نمی‌کند که تمام مطالب را به مدت

نتواند بی‌علاقگی تداوم پیدا می‌کند. در محتوای کتاب گاه به شخصیت‌ها حالت قدیس گونه داده‌اند و برعکس گاهی برخی شخصیت‌ها را مطلقاً بد نشان داده‌اند. این مشکل بزرگی است. در کتاب درسی، آدم‌ها یا سیاه سیاهند و یا سفید سفید. مثلاً آیا به امیرکبیر انتقادی وارد نیست؟ قطعاً هست. ما باید این موارد را بپذیریم. هر چیزی را همان‌طور که هست و واقع شده بیان کنیم. فقط معلم می‌تواند چنین مشکلی را حل کند.

● کتاب‌های درسی چه ایرادهایی دارد که به نیازهای دانش‌آموز پاسخ نمی‌دهد؟

○ آهنگری: بعضی از مسائل کتاب به گونه‌ای نوشته شده که با هم تناقض دارند. مطالب مختلفی از این دست وجود دارد. مثلاً در تاریخ معاصر گاه از اصلاحات رضاخانی صحبت می‌شود و گاهی از اقدامات او. برای دانش‌آموز این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصلاحاتی

● به نظر شما بچه‌ها از کتاب‌های درسی تاریخ راضی هستند؟ آیا این کتاب‌ها بچه‌ها را به کشورشان و تاریخ آن علاقه‌مند می‌کند؟

○ فاطمه آهنگری: به نظر من علاقه‌مندی دانش‌آموزان به تاریخ تحت تأثیر کتاب و روش تدریس قرار دارد. معمولاً همکارانی که اطلاعات علمی بهتری دارند در جذب دانش‌آموزان موفق‌ترند و همکارانی که با بی‌علاقگی تدریس می‌کنند و یارشته‌ی تخصص‌شان تاریخ نیست، نمی‌توانند رضایت و علاقه‌مندی بچه‌ها را جلب کنند.

بحث دیگر خود مطالب کتاب است. مطالب کتاب گاه ارضا کننده‌ی نیازهای دانش‌آموزان از نظر علمی و عاطفی نیست و آن‌ها را راضی نمی‌کند. برای شان ایجاد سؤال‌هایی می‌کند که گاهی این سؤال‌ها بدون پاسخ می‌ماند. پس اگر معلم آن‌قدر تبحر داشته باشد که بتواند این دانش‌آموز را راضی کند، اظهار رضایت‌مندی پیدا می‌کند و اگر

طولانی حفظ کند.

● **حجم کتاب چه طور؟ آیا حجم کتاب‌ها با زمان در نظر گرفته شده برای تدریس متناسب است؟ و در زمان مقرر می‌توان کتاب را به پایان رساند؟**

○ **آهنگری:** برای پایه‌ی سوم دبیرستان (انسانی)، کتاب به سختی تمام می‌شود. کتاب «تاریخ معاصر» هم به سختی در زمان در نظر گرفته شده به پایان می‌رسد. اما کتاب‌های سال دوم و پیش‌دانشگاهی رشته‌ی انسانی حجم مناسبی دارند.

با همان نگاه ۱۰۰ سال پیش به تاریخ می‌نگریم

پرتوی مقدم: من، هم سابقه‌ی دبیری دارم و هم مدت کوتاهی است که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشغول به کار هستم و دستی بر آتش دارم. مطالبی که در این‌جا می‌خواهم عنوان کنم بیش‌تر متکی به سابقه‌ی دبیری‌ام است و بخش دیگر به کار فعلی‌ام. لذا می‌خواهم موضوع را کمی گسترده‌تر از کتاب بررسی کنم. به نظر من ما در آموزش تاریخ به طور عام (در برنامه‌ریزی، تدوین راهنما، تولید محتوا، آموزش و ارزشیابی) با مشکلات و نارسایی‌های زیادی روبه‌رو هستیم و اگر بخواهیم بدون غرض و منصفانه نگاه کنیم، برنامه‌ی درس تاریخ (البته این اختصاص به تاریخ ندارد و سرنوشت بسیاری از درس‌ها در حوزه‌ی علوم انسانی است) با نقص‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو است. بخشی از این کاستی‌ها در حوزه‌ی نظر است. یعنی با فقر تئوریک روبه‌رو هستیم. بخشی هم در حوزه‌ی روش است و متأثر از کاستی‌های حوزه‌ی نظر.

این کاستی‌ها بخشی به درس تاریخ و بخش دیگری به حوزه‌ی تعلیم و تربیت به طور عام مربوط می‌شود. من در اینجا فقط از کاستی‌های درس تاریخ صحبت می‌کنم.

مهم‌ترین مشکل در درس تاریخ این است که ما درک به روز، علمی و دقیق از رشته‌ی تاریخ نداریم. (نمی‌خواهم این را به تمام دبیران یا دست اندرکاران علم تاریخ تعمیم دهم ولی به طور غالب این نارسایی وجود دارد.) ما درک علمی از ماهیت، و مبادی نظری‌اش نداریم. نگاه‌ها و تعریف‌ها غالباً نگاه و تعریف سنتی است. در ۱۰۰ سال گذشته، در حوزه‌ی علوم مختلف تحولات اساسی صورت گرفته است ولی ما با همان نگاه سنتی به تاریخ می‌نگریم. من فکر می‌کنم اگر این مشکل رفع شود، سایر ایرادات برنامه‌ی درسی برجسته

نمی‌شود. تصویری که از تاریخ وجود دارد، تصویری تقلیل‌گرا و محدود است. ما تاریخ را به مسائل سیاسی و نظامی تقلیل می‌دهیم و بسیاری از جنبه‌های تاریخ مانند حوزه‌ی اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی عمدتاً مغفول می‌ماند و بسیار کم به آن پرداخته می‌شود. بر همین اساس، تصور و تلقی که از علم تاریخ وجود دارد محدود به شرح و توصیف زندگی صاحبان قدرت و نخبگان (عمدتاً نخبگان سیاسی و نظامی) می‌شود. بنابراین محتوای مزبور منحصر به جزئیات یا کلیات مربوط به عملکرد صاحبان قدرت است و هدف‌مند نیست.



نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

○ **پرتوی مقدم:** بله، من معتقدم مطالب کتاب جذاب نیست و دلیل عمده اش این است که ما تلقی درست و علمی از تاریخ نداریم و آمده ایم تاریخ را به وقایع نگاری های سیاسی و نظامی منحصر کرده ایم، یعنی حیطه های دیگر ضعیف اند و یا از کتاب درسی غایب هستند. این یکی از اشکالات است. اشکال دیگر، نارسایی در فهم و درک است. ما نمی توانیم با نگاه یک بعدی به گذشته ی انسان به خوبی آنرا درک کنیم. حوزه ی سیاسی ارتباط نزدیکی با حوزه ی اجتماعی دارد و اگر نگاه یک بعدی داشته باشیم نه تنها نمی توانیم فرایند تاریخ را به درستی درک کنیم که حتی حوزه ی سیاسی را

تعلیم و تربیت، هم از نظر تئوریک و هم از حیث روش، مشکل داریم.
 ● **آیا بهتر نیست بحث را در حیطه ی علم تاریخ ادامه دهیم؟**
 ○ **پرتوی مقدم:** اما این ها هر دو ملازم یکدیگرند.
 ● **بله، اما بحث این است که این محتوایی که در حال حاضر در اختیار دانش آموزان قرار داده ایم، آیا مناسب است؟ خانم آهنگری اشاره کردند که محتوای کتاب های درسی جذاب نیست، شما با این نظر موافق هستید؟**

این تلقی از تاریخ بر برنامه، تولید محتوا، آموزش و ارزشیابی حاکم است و مشکلاتی را به وجود آورده است. اساس این مشکل هم به آموزش و پرورش بر نمی گردد، بلکه به آموزش عالی بر می گردد. برنامه ی درسی ما اعتبار و مشروعیتش را از آموزش عالی می گیرد. این نگاه سنتی بر آموزش عالی ما حاکم است و از این طریق به آموزش و پرورش تسری یافته است. مسئله این است که ما به طور کلی در حوزه ی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نیز به خوبی درک نخواهم کرد بنابراین هم برای مجری و هم مخاطب این ذهنیت به وجود می‌آید که این درس یا این کتاب تأثیری در زندگی آن‌ها ندارد. فقط اثر این کتاب این است که آن‌ها مجبورند بخشی از اطلاعات پراکنده، جزئی و کلی در یک حیطه را حفظ کنند، بدون این‌که نتایج شناختی بر آن مترتب باشد. اهداف درس تاریخ هنگامی محقق می‌شود که ما بتوانیم در متعلم شناخت ایجاد کنیم. من معتقدم با تلبار کردن اطلاعات یک سویه، پراکنده و بی‌ربط ما نمی‌توان شناخت ایجاد کرد. نمی‌توان انتظار داشت دانش‌آموز این اطلاعات



یک سویه را در ذهن‌اش، تجزیه و تحلیل و ترکیب کند و به شناخت برسد. چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.

● خانم حشمتی شما بفرمایید.

○ خانم حشمتی: به بیش‌تر موارد اشاره شد. حجم کتاب، ارتباط مطالب با هم و با دروس هم‌عرض، از آن جمله‌اند. با توجه به این‌که این کتاب‌ها بارها جرح و تعدیل شده است، پیوستگی مطالب آن از بین رفته و این باعث کاهش جذابیت آن شده است.

مشکل دیگر کتاب‌ها این است که با زندگی جاری دانش‌آموزان ارتباط برقرار نمی‌کند و دانش‌آموز نمی‌تواند از آن در زندگی‌اش استفاده کند. ما دانش‌آموز را به گذشته‌اش می‌بریم که هیچ ارتباطی با

زندگی امروزش ندارد و به همین خاطر به آن علاقه‌مند نمی‌شود.

«استنفورد» در کتابی به این موضوع پرداخته بود که چرا افراد نه در زمان تحصیل بلکه بعد از پایان تحصیلات خود به تاریخ (در قالب کتاب‌های تاریخ، داستان‌های تاریخی و فیلم‌های تاریخی) علاقه‌مند می‌شوند. من با خواندن این مطلب پی‌بردم که در سایر کشورها هم بحث بی‌علاقگی دانش‌آموزان به تاریخ وجود دارد.

در حقیقت افراد، به دلایل مختلف، به کسب تجربه و یا استفاده از تجربیات انسان‌های دیگر، از طریق مطالعه‌ی

پرتوی مقدمه: مهم‌ترین مشکل در درس تاریخ این است که ما درک به‌روز، علمی و دقیقی از علم تاریخ نداریم

تاریخ، می‌پردازند. اما کتاب درسی ما این تجربه را به دانش‌آموزان منتقل نمی‌کند. من از آقای پرتوی مقدم و دست‌اندرکاران تألیف کتاب خواهش می‌کنم به این نکته توجه و علاوه بر آن بین دروس مختلف ارتباطی ایجاد کنند.

مثلاً بین تاریخ و تعلیمات اجتماعی، جغرافیا و به طور کلی زندگی امروزه رابطه ایجاد شود. تاریخ کاربردی و آموزشی شود. باید هدف ما از آموزش تاریخ مشخص شود. آیا ما می‌خواهیم مورخ تربیت کنیم و یا قصدمان این است که در جامعه‌ی بهتری زندگی کنیم و ضریب عمل دانش‌آموز را در جامعه بالاتر ببریم؟ ممکن است معلم با تبحرش دانش‌آموز را به کلاس و

خودش جذب کند اما نمی‌تواند او را به تاریخ علاقه‌مند سازد.

تاریخ و هویت ملی

○ سلیمی: کتاب درسی یک متن آموزشی است. متن، آموزشی باید ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند دانش‌آموز را به خود جلب کند. این جذابیت را عوامل مختلفی ایجاد می‌کنند. مطمئناً تأثیر زیادی بر جذابیت کتاب دارد و دوستان در این باره صحبت کردند. اما عوامل دیگری نیز در جذابیت متن آموزشی تأثیر دارد، عواملی مانند نوع حروف چاپی مناسب، نثر متن آموزشی، استفاده از رنگ‌های جذاب در کتاب، مصور بودن آن، استفاده از جدول و نمودار و تصاویر جذاب می‌تواند در کنار محتوای کتاب بر جذابیت آن بیفزاید.

به جز این موارد، محتوا باید انسجام داشته باشد. دانش‌آموزی که برای اولین بار کتاب را می‌خواند باید کلیاتی از موضوع کتاب را درک کند.

مسئله‌ی دیگر متناسب بودن متن آموزشی با سطح درک دانش‌آموز است. دور از انصاف است که ما مطالب سطح دانشجو را به دانش‌آموز ارائه دهیم. خانم حشمتی به موضوع جالبی اشاره کردند: بحث ارتباط تاریخ با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز. تاریخی که دانش‌آموز ما می‌خواند تا چه حد با هویتش سازگار است؟ تا چه حد او را با هویت جمعی خودش آشنا می‌کند؟ اگر این ویژگی‌ها در کتابی باشد می‌توان گفت که دانش‌آموز آن کتاب را می‌پذیرد. به نظر من رضایت یا عدم رضایت دانش‌آموزان از کتاب، نسبی است و هم نسبت به تعداد دانش‌آموزان و هم کتاب‌های پایه‌های مختلف تحصیلی متفاوت

هدف‌ها و محتوا را براساس نیاز امروز طراحی نکرده‌ایم.

من روی ارزشیابی هم حرف دارم. ارزشیابی امروز ما دقیقاً براساس نگاهی است که به تاریخ داریم.

در مورد حجم درس‌ها هم باید به این نکته اشاره کنم که حجم فعلی کتاب‌ها با توجه به تاریخ طولانی کشور ما حجم زیادی ندارد. ارزشیابی ما مشکل دارد.

○ **حشمتی:** شما به این اشاره کردید که نگاه سنتی به تاریخ در آموزش عالی حاکم است و به همین خاطر در آموزش و پرورش نیز تداوم دارد. ما دچار دور باطلی شده‌ایم. دانش‌آموزانی را با شیوه‌ی سنتی تربیت می‌کنیم به دانشگاه می‌فرستیم (بماند که معمولاً معدل‌های پایین رشته‌ی تاریخ را انتخاب می‌کنند). او دوباره با همان شیوه‌ی سنتی تاریخ می‌خواند و به آموزش و پرورش برمی‌گردد و این جاست که می‌گویند: «آموزش و پرورش می‌تواند نسلی را بسازد» اگر ما دانش‌آموزان را در سطحی تربیت کنیم که مطالباتش از علم تاریخ بالاتر از سطح کنونی باشد، او در دانشگاه همین را از استادش خواهد خواست.

اگر شما با این رویکردهایی که خیلی خوب به آن اشاره کردید، کتاب را تغییر دهید، مطمئناً ارزشیابی، شیوه‌ی تدریس و نگاه دانش‌آموز تغییر خواهد کرد و دانش‌آموزان با نگاه بهتری وارد دانشگاه خواهند شد. بنابراین وظیفه‌ی دفتر تألیف و معلمان ما سنگین‌تر است، چون خوراک فکری جامعه را تأمین می‌کنند. ما باید از درون به خودمان نگاه کنیم؛ ما باید در خودمان تحول ایجاد کنیم و نباید منتظر باشیم دیگران تغییر کنند. به خصوص این کتاب حتماً باید تغییر کند. خوشبختانه شما، هم تجربه



در تعلیم و تربیت، دانش ابزار است. اما برای ما هدف شده است. بخشی که مطرح کردم در مورد این که ما باید تلقی درست و علمی داشته باشیم برای دانش‌آموز نیست. این برای برنامه‌ریز، تولیدکننده‌ی محتوا و معلم است. آن‌ها باید به علم تاریخ و روش‌های آن مسلط باشند. اگر این‌طور باشد تاریخ را با نگاهی دیگر تدریس خواهند کرد. من اتفاقاً روی بخش آموزشی تأکید زیادی دارم و معتقدم اگر نیروی انسانی کارآمد آموزش دیده و مسلط به علم روز داشته باشیم، نقص برنامه‌ی ما را برطرف خواهد کرد، نقص کتاب ما را می‌پوشاند و برای همین است که همه جا بر نیروی انسانی تکیه می‌شود.

تربیت شهروندان آگاه، متعهد، خلاق و کاوشگر بر عهده‌ی آموزش عمومی است.

کتاب تاریخ خوب نیست!

● **آهنگری:** چرا؟ شما بزرگواران باید به این موضوعات توجه کنید.

○ **پرتوی مقدم:** چرا؟ بله! قبول دارم. کتاب جذاب نیست چون ما تاریخ اجتماعی مردم را از تاریخ حذف کرده‌ایم. در طراحی هدف‌ها و محتوا نیاز و دغدغه‌های امروز دانش‌آموز را در نظر نمی‌گیریم. به دو دلیل: ۱. کارمان علمی نیست و روش علمی ندارد، ۲.

آهنگری: به دلیل فشارهای روانی ناشی از حجم زیاد کتاب، حافظه‌ی دانش‌آموز یاری نمی‌کند، تمام مطالب را به مدت طولانی حفظ کند

است. ما نمی‌توانیم تک‌تک دانش‌آموزان نظرخواهی که آیا از کتاب رضایت دارند یا نه! اما می‌توان با اطمینان گفت درصد بالایی از دانش‌آموزان از مجموع کتاب‌های درس تاریخ در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان رضایت دارند. اما این رضایت درباره‌ی تک‌تک کتاب‌های تاریخ متفاوت است.

در مجموع کیفیت کتاب‌های درسی نسبت به سال‌های گذشته بهتر و محتوای آن علمی‌تر و به سطح ادراک دانش‌آموزان نزدیک‌تر شده است.

● **آهنگری:** من در منطقه‌ای که تدریس می‌کنم، نظر سنجی میدانی انجام داده‌ام و بر مبنای آن می‌توانم بگویم که درصد رضایت دانش‌آموزان به ۵۰ درصد نمی‌رسد.

○ **پرتوی مقدم:** من خیلی روی درصدها بحث نمی‌کنم. اهداف آموزش تاریخ فقط روی کاغذ می‌آید و مجری، برنامه‌ریز و مؤلف به آن هیچ توجهی نمی‌کنند و یا بر آن اشرف و آگاهی ندارند. لذا چه میزان به اهداف درس دست یافته‌اند باید برگه‌ی ارزشیابی نهایی دانش‌آموز را ببیند. بسیاری از اهداف تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته است و تنها مجموعه‌ای از اطلاعات به دانش‌آموز انتقال یافته است. ما باید به این نکته توجه کنیم که به اندازه نیاز دانش‌آموز به او اطلاعات بدهیم که بتواند زندگی‌اش را در جامعه اعتلا بخشد.

دانشگاهی دارید، هم معلم هستید و هم به مؤلفه‌های مورد نظر برای تغییر کتاب‌های آشنایی دارید.

بازنگری در برنامه‌ی درس تاریخ

● در ادامه‌ی صحبت‌های خانم حشمتی سوالی دارم: آیا دفتر تألیف برنامه‌ی خاصی برای تغییر کتاب‌های تاریخ و تألیف کتاب جدید دارد؟



○ پرتوی مقدم: مطرح شدن این بحث‌ها نشان می‌دهد که دغدغه‌هایی وجود دارد، آسیب‌شناسی صورت گرفته است. اگر ما امروز این حرف‌ها را می‌زنیم، در اثر نتایجی است که در سر کلاس به دست آورده‌ایم. ما نتوانسته‌ایم به دانش‌آموزی که از سال چهارم دبستان در اختیار درس تاریخ بوده است، شناخت بدهیم که بتواند شرایط کنونی خود و جامعه‌اش را بسنجد و بداند کشورش در کجای تاریخ قرار گرفته است. ما به تلنبار کردن ذهن دانش‌آموز می‌پردازیم. به قول یکی از بزرگان اساتید تاریخ که می‌گوید «این شکل از آموزش تاریخ علم انبارداری است.» ما حتی به این علم انبارداری هم به درستی نمی‌پردازیم. چون در پایان که دانش‌آموز از مدرسه خارج می‌شود. چیزی همراه ندارد. هم اکنون اصلاح راهنمای برنامه‌ی درسی تاریخ در شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ هم مطرح است و امیدوارم با تلقی و

تعریفی به روز و علمی از علم تاریخ و روش‌های آن و طراحی اهداف مناسب و مقتضی، محتوا و آموزش تاریخ را جذاب و اثربخش‌تر سازیم. در حقیقت ما در مرحله‌ی بازنگری در برنامه هستیم. خوشبختانه در دانشگاه هم نسل جدیدی پا به عرصه گذاشته‌اند که آن نگاه گذشته را ندارند.

سلیمی: تا وقتی کتاب‌ها تغییر نکنند و تثبیت نشوند؛ نمی‌شود راهنمای معلم یا راهنمای آموزش تاریخ نوشت

○ حشمتی: در سایر کشورها رشته‌ای به نام آموزش تاریخ وجود دارد، اما ما از دیرباز مان چیزی را می‌خواهیم که به آن‌ها آموزش نداده‌ایم. مجله‌ی آموزش تاریخ در یکی دو شماره به این موضوع پرداخته است، که کار بسیار خوبی است. دیرباز ما آموزشی در این باره ندیده‌اند. ما بیشتر از دیرباز خودمان در دبیرستان تأثیر گرفته‌ایم و در واحدهای دانشگاهی‌مان، درسی با این عنوان نداشته‌ایم. در دروس تربیتی هم کسانی به ما تدریس می‌کردند که تاریخ نمی‌دانستند.

○ آهنگری: در دبیرستان کم نیستند معلمانی که به سبک مدنظر آقای پرتوی مقدم کار می‌کنند. اما متأسفانه ارتباط بین رشته‌ای کم است و فقط کسانی می‌توانند در این زمینه موفق باشند که خودشان علاقه‌مند بوده‌اند، اطلاعات کافی را به دست آورده‌اند و ارتباطی بین تاریخ و سایر رشته‌ها ایجاد کرده‌اند. کسی به چنین معلمانی

آموزش نداده است. خودشان به دنبال یادگیری رفته و این توانایی‌ها را به دست آورده‌اند.

○ پرتوی مقدم: پس از اصلاح راهنمای برنامه و تغییر محتوا ضروری است که به آموزش معلمان توجه شود. چرا که اگر برنامه مشکل داشته باشد ولی دبیر توانمند باشد به راحتی می‌تواند نقص برنامه را برطرف کند.

کتاب روش تدریس تاریخ وجود ندارد

● آیا کتاب روش تدریس کتاب‌های تاریخ برای معلمان این رشته وجود دارد؟

○ حشمتی: یکی دو سال پیش آقای دکتر صالحی کتابی را با عنوان «راهکارهای آموزش تاریخ» منتشر کرده‌اند. این کتاب مجموعه‌ای از چند مقاله‌ی تألیفی و ترجمه شده به زبان فارسی است، اما کتاب تخصصی در این زمینه وجود ندارد. البته مجله‌ی رشد آموزش تاریخ در چند شماره به این موضوع پرداخته است.

○ سلیمی: این مجله دو ویژه‌نامه درباره‌ی روش آموزش تاریخ دارد. خود من نیز کتابی با موضوع راهنمای آموزش تاریخ‌شناسی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی در دست تألیف دارم. این کتاب در مراحل آخر کار تألیف است و ان‌شاء.. به زودی تقدیم همکاران خواهد شد.

● آیا برنامه‌ای جهت تألیف کتاب روش تدریس خاص کتاب‌های تاریخ وجود دارد؟

○ سلیمی: تا وقتی تغییرات کتاب‌ها پایان نیابد و کتاب‌ها تثبیت نشوند، نمی‌شود راهنمای معلم یا راهنمای آموزش تاریخ نوشت.

○ حشمتی: البته در سال‌های اخیر

چه مشکلی دارد؟

○ **آهنگری:** ارزشیابی تاریخی خیلی دانشی است.

● آیا مقررات ایجاب می کند که ارزشیابی به این شکل انجام شود؟
 ○ **آهنگری:** بله.

○ **پرتوی مقدم:** شکل ارزشیابی کنونی درس تاریخ به این صورت است که دانش آموز فلک زده باید سطر به سطر و کلمه به کلمه کتاب را حفظ کند و هیچ چیزی که نشان از فهم باشد بر این کار او مترتب نیست. تنها قدرت حافظه ی دانش آموز سنجیده می شود. دانش آموزی که قدرت حافظه یا انگیزه ی خاصی داشته باشد به هر زحمتی از پس امتحان بر می آید. برخی دیگر نمی توانند، زیر بار این کار نمی روند، به ویژه هنگامی که تشخیص می دهد این کار هیچ نفعی برایش ندارد.

البته این مشکلات خاص درس تاریخ نیست و درس های دیگر چنین معضلاتی را کم و بیش دارند. این شکل از ارزشیابی اغلب توأم با اضطراب است و با وجود اضطراب و استرس

حشمتی: کتاب تاریخ با زندگی جاری دانش آموزان ارتباط برقرار نمی کند و دانش آموز نمی تواند از آن در زندگی اش استفاده کند

کلمه ی آشنایی آغاز می شوند و تازه حدود مرز آشنایی هم تعریف و تبیین نشدند.

● در هدف نویسی مراد از آشنایی کدام است؟

○ **پرتوی مقدم:** ضمن این که در هدف ها بیشتر به حوزه ی دانش توجه می شود تا حوزه ی شناختی و تربیتی. اگر اهدافمان را براساس اهداف تربیتی (و نه تاریخ برای تاریخ) تعریف کردیم، اگر تاریخ را برای این آموزش دادیم که یک شهروند آگاه، خلاق، متعهد و نقاد تربیت کنیم. آن گاه موفق خواهیم بود.

○ **سلیمی:** اما نظام آموزشی ما به سمتی می رود که اهداف جزئی بیشتر مورد نظر است.

○ **حشمتی:** بله! دقیقاً. اهدافی مثل کنکور.

○ **پرتوی مقدم:** کنکور هدف نیست. ابزار است.

○ **سلیمی:** واقعیت نظام آموزشی ما این است.

کنکور هدف شده است. باید اهداف در کتاب درسی مشخص شود و سیستم



ارزشیابی ملزم به طرح سوال در راستای این اهداف شود. ولی کتاب اهداف را مشخصاً تعیین نکرده است. متن کتاب نقادانه نیست و فقط اطلاعات خاصی را در اختیار دانش آموزان قرار داده است.

● شیوه ی ارزشیابی درس تاریخ

فتح بابی شده و در گروه های آموزشی تلاش شده است از روش های جدید تدریس در آموزش تاریخ استفاده شود. همکاران روش های مختلف تدریس را مطالعه کرده و سعی کرده اند آن را با درس تاریخ هماهنگ سازند و خیلی از دبیران ما روش های جدید را به کار می برند.

○ **آهنگری:** معلمان ما تلاش زیادی می کنند اما با موانع زیادی مانند شیوه ی ارزشیابی برخورد می کنند و این موانع آن ها را باز به سمت روش های سنتی سوق می دهند.

○ **پرتوی مقدم:** این به خاطر همان تلقی نادرست از تاریخ است. آن نگاه سنتی روش آموزش سنتی را می طلبد. با آن نگاه از هر روشی استفاده کنی به خانه اول برمی گردی. اگر نگاه تان تغییر کند ارزشیابی هم زیرورو خواهد شد. باید بدانید در درس تاریخ هدف این نیست که ما مجموعه ای از اتفاقات، شخصیت ها و مکان ها وارد ذهن دانش آمو ز شود.

هدف باید کسب شناخت باشد و براساس آن شناخت علاقه ای ایجاد شود و تغییر رفتار صورت گیرد و بنابراین ارزشیابی را براساس نگاه کلی و اهداف صورت می پذیرد.

○ **سلیمی:** در این جا می توان گفت اهداف برنامه ریزان و مجریان یکی نیست.

کنکور هدف نیست

○ **پرتوی مقدم:** بله، همین طور است. ما هنوز حتی در دفتر برنامه ریزی، هدف های درس تاریخ را مطابق هدف های تربیتی تعریف نکرده ایم. هدف های ما در حوزه ی دانش است. هدف های ما همه با

هیچ یادگیری اتفاق نمی افتد.
 ○ **آهنگری:** من و یکی از همکارانم آزمایشی درباره ی تدریس و ارزشیابی درس تاریخ انجام داده ایم. قسمتی از کتاب را ایشان به صورت کاملاً سنتی و من به صورت کاملاً تحلیلی و به روز

تدریس کردیم. این قسمت مربوط به هیتلر و ناپلئون بود. سوالاتی را برای دانش‌آموزان یکدیگر مطرح کردیم. مفهوم یکی از سوالات این بود که روش کار ناپلئون و هیتلر را با هم مقایسه کنید و آن را ارزیابی کنید.

دانش‌آموزان من به بهترین وجه ممکن به این سوال پاسخ دادند و موضوع را به صورت تحلیلی بررسی کردند اما اکثریت آن‌ها نتوانستند به سوالات دانشی همان درس پاسخ دهند. درحالی‌که دانش‌آموزان کلاس همکارم توانستند، به حدود ۵۰ درصد از سوالات پاسخ دهند اما رضایتمندی وجود نداشت، درحالی‌که دانش‌آموزان کلاس من از سوالات تحلیلی کاملاً رضایت داشتند.

ارزشیابی تاریخ دانشی است

● چه کسانی متولی طراحی سوالات امتحانی درس تاریخ هستند؟ آیا معلمان متبحری به این منظور انتخاب می‌شوند؟

○ حشمتی: اداره‌ی کل سنجش و ارزشیابی این کار را انجام می‌دهد اما این‌که تا چه حد از دبیران مجرب استفاده می‌کند و این‌که اصلاً از چه دبیرانی برای این کار کمک می‌گیرد مخفی می‌ماند.

○ پرتوی مقدم: اشکالات ارزشیابی فقط به اداره‌ی سنجش و ارزشیابی برنمی‌گردد. همکاران ما در مناطق مختلف هم ارزشیابی را منطبق با اهداف کتاب انجام نمی‌دهند. بیشتر آزمون‌های درس تاریخ ایراد اساسی دارند؛ یکی این‌که سوالات به لحاظ فنی و اصول آزمون‌سازی استاندارد نیست. دوم این‌که هیچ‌گونه همخوانی با اهداف کتاب و دوره‌ی تحصیلی ندارد؛ مهم‌ترین اهداف نادیده گرفته شده و سوالات متناظر با

هدف‌های بسیار جزئی و کم اهمیت بوده است. سومین اشکال این است که طراح سوال درک درستی از کلیت تحولات تاریخی و مطالب و مباحث کتاب ندارد.

گروه تاریخ دفتر تألیف آمادگی دارد، دوره‌های آموزش طراحی آزمون‌های استاندارد را، متناسب با اهداف اصلی کتاب، برگزار نماید و سال گذشته نیز به اداره‌ی کل سنجش و ارزشیابی چنین پیشنهادی داده‌ایم.

بیشتر آزمون‌های کنونی درس تاریخ، وسیله‌ای برای سنجش و یادگیری نیست، بلکه بیشتر ابزاری برای مجازات متعلم است. درس تاریخ برای زجرکش کردن یا مجازات دانش‌آموزان تدریس نمی‌شود. با این روش چطور انتظار داریم که دانش‌آموزان به درس علاقه‌مند شوند و بعد از امتحان کتاب را

از لحن معلم و یکنواختی کلاس خسته و خواب‌آلود شود. این روش‌ها زمینه‌ی مشارکت دانش‌آموز در بحث و تحلیل مطلب را فراهم نمی‌کند. دانش‌آموز را خلاق بار نمی‌آورد بلکه او را به یک موجود منفعل تبدیل می‌کند که گفته‌ی معلم را می‌پذیرد و از خودش هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. اما در شیوه‌ی مشارکتی موضوع درس به چالش کشیده می‌شود. معلم سؤالی مطرح می‌کند، دانش‌آموزی پاسخ می‌دهد. دانش‌آموز دیگر پاسخ او را نقد می‌کند و این باعث می‌شود کلاس از آن حالت متکلم‌وحده بودن معلم خارج و پویا شود.

غیر از این، در شیوه‌ی سنتی معلم فقط به متن کتاب درسی متکی است و اگر خارج از بحث کتاب صحبت کند، دانش‌آموز اعتراض می‌کند. در شیوه‌ی جدید معلم می‌تواند با

سلیمی: عواملی مانند نوع حروف چاپی نثر متن آموزشی، رنگ‌آمیزی کتاب، مصور بودن آن، استفاده از جدول و نمودار و تصاویر جذاب می‌تواند در کنار محتوای کتاب مورد توجه قرار گیرد

حفظ چارچوب درس از ابزارهایی مانند نقشه، نمودار، فیلم‌های تاریخی (که معلم قبل از کلاس آن را دیده است). استفاده کند. اجرای این شیوه با مشکلات و موانع مختلف روبه‌رو است.

البته مسئولین اجرایی مدارس هم به در حاشیه‌ی ماندن درس تاریخ کمک می‌کنند. درس تاریخ در برخی مدارس به قطعه‌ای از پازل برای مرتب کردن برنامه‌ی درسی مدرسه تبدیل شده است. درس تاریخ به برنامه‌ای تبدیل شده که می‌تواند روی آن حساب نکنند و آن را به معلم دیگری که کسری ساعت دارد،

دور نیاندازند. طبیعی است که این روش ارزشیابی در آن‌ها ایجاد اضطراب کند و رفتارهای این چنین را به وجود آورد.

درست است که خیلی از مطالب کتاب دانشی است اما حتی در مورد این مطالب هم بهتر است ارزشیابی از مطالب دانشی ارزشمند که به علت‌ها، نتایج و زمینه‌ها می‌پردازد صورت گیرد. ○ سلیمی: یکی از مشکلات هم، شیوه‌ی تدریس رایج است. غیر از آن در روش تدریس سنتی معلم متکلم‌وحده است و از اول تا آخر کلاس باید صحبت کند. طبیعی است که دانش‌آموز

○ **پرتوی مقدم:** من معتقدم دوره‌های ضمن خدمت صرفاً به این دلیل برگزار می‌شود که دبیر امتیاز شرکت در آن را بگیرد. دوره‌های ضمن خدمت ما باید وارد مباحث نظری ماده‌ی درس، هدف‌های فرهنگی و تربیتی درس، روش‌های ارزشیابی و فرایندهای کلی تاریخ شود. در مورد ارزشیابی هم من معتقدم ارزشیابی باید به ارزشیابی

اجزای اجرای چنین روش‌هایی را به معلمان می‌دهند؟

○ **سلیمی:** می‌شود این روش‌ها را اجرا کرد اما نه در هر جلسه. کتاب درسی هم با وجود ایراداتی که دارد، دست معلم را در بسیاری از موارد باز گذاشته است. بخش‌هایی مانند «فکر کنید و پاسخ دهید» و «یا اندیشه و جست‌وجو» در

بدهند. درحالی‌که شأن تاریخ بالاتر از این است. برنامه‌ریزان ما درسی را نسبت به تاریخ ارجحیت نداده‌اند اما در عمل

پرتوی مقدم: ما لازم است دانش‌آموزی تربیت کنیم که موقعیت کنونی خود، جامعه و سرزمین‌اش را درک کند

آهنگری: معلمان ما تلاش زیادی می‌کنند اما با موانع زیادی مانند شیوه‌ی ارزشیابی برخورد می‌کنند

توصیفی تغییر کند.
 ○ **حشمتی:** ارزشیابی نسبت به سال‌های قبل تغییر زیادی پیدا کرده است. همکاران ما در این زمینه فعالیت زیادی انجام داده‌اند. از اساتید زیادی دعوت شده است. گروه‌های آموزشی بدون هیچ توقعی این کار را انجام داده‌اند و گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شده است.

باید به نکته‌ای درباره‌ی تاریخ پیش‌دانشگاهی اشاره کنم. اگر بخش‌هایی از این کتاب در سال‌های اول دبیرستان تدریس می‌شد، بهتر بود. مثلاً استفاده از تصاویر و سکه‌های تاریخی در درس‌ها. در کتاب‌های ایران و جهان ۱ و ۲، تصاویر زیادی وجود دارد اما دانش‌آموز درک معناداری از این تصاویر ندارد. اما اگر اطلاعات کلی درباره‌ی سکه‌های تاریخی و یا نقش اسناد و تصاویر در مطالعات تاریخی در اختیار دانش‌آموز قرار بگیرد، او توانایی تجزیه و تحلیل این تصاویر را خواهد داشت.

○ **از مشارکت فعال همه‌ی شما در این میزگرد سپاسگزارم.**

کتاب می‌تواند بخشی از نمره را به خودش اختصاص دهد. ساده‌ترین کاری که یک معلم می‌تواند انجام دهد استفاده از نقشه‌های تاریخی است. معلم می‌تواند سرزمین ایران در اوایل حکومت قاجار را با وضعیت آن در اواخر حکومت ناصرالدین شاه مقایسه کند و از دانش‌آموز بخواهد تحلیلش را از کم شدن اراضی کشور ارائه دهد.

دانش‌آموز باید شش بار درس را بخواند

○ **پرتوی مقدم:** خانم حشمتی، شما که سرگروه شهر تهران هستید، باید درباره‌ی ارزشیابی فکری بکنید. ارزشیابی الان معضل بزرگی است. پیشنهاد کنید دوره‌های طراحی آزمون‌های استاندارد و ارزشیابی‌های علمی برای دبیران تاریخ برگزار شود.

● **دوره‌های ضمن خدمت در حال حاضر چه ویژگی دارند؟ آیا کافی و کاربردی هستند؟**

تاریخ با این مشکلات مواجه می‌شود. تدریس تاریخ به معلمان غیرمتخصص محول می‌شود که نمی‌توانند رسالت واقعی معلم تاریخ را ایفا کنند در چنین حالتی در نتیجه تاریخ به سؤال و جواب‌هایی تبدیل می‌شود که دانش‌آموز حتی بدون حضور معلم و با کمک کتاب‌های کمک آموزشی آن‌را بخواند.

یکی دیگر از مشکلات، نگرش جامعه نسبت به درس تاریخ است. در حقیقت نگاه آنی به نفع‌رسانی این رشته به آن آسیب می‌زند. امروزه رشته‌هایی مورد پذیرش و توجه هستند که در آینده درآمد بیشتری داشته باشند. دانش‌آموزان از این غافلند که این درس نفع آنی دارد نه نفع آنی، و آن‌ها را با هویت، آداب و رسوم و سنن‌شان آشنا می‌کند.

در کشورهای دیگر دانش‌آموزان با معدل بالا در رشته‌ی تاریخ تحصیل می‌کنند اما در کشور ما نسبت به این رشته بی‌مهری شده است و این به نگاه خانواده‌ها به این درس برمی‌گردد.

● **در دانشگاه‌ها درس یا واحدی با عنوان آموزش تاریخ تدریس می‌شود؟**

○ **سلیمی:** خیر
 ● **آیا امکانات مدرسه، مدیریت، وقت کلاس و یا حتی خانواده‌ها**